

بسم الله الرحمن الرحيم

## دادگاه حافظ قانون اساسی

### شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حسین مهرپور\*

#### مقدمه

بدون شک در هر کشوری قانون اساسی که در واقع میثاق بین ملت و دولت و بیانگر قواعد حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادیهای فردی است، از موقعیت بالائی برخوردار است و در بیشتر حکومتهای آزاد بخاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز دولتها به پیمانی که رابط بین آنها و ملت است، برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاصی قائلند و مراقب حفظ و عدم تجاوز به اصول و مقررات آنها میباشند.

از نگرانیهای عمده‌ای که خاطر تدوین کنندگان قانون اساسی را، مخصوصاً قوانین اساسی‌ای که پس از انقلابات عمومی و قیامهای مردمی و تغییر کلی نظام حکومتی تدوین میشود، همواره بخود مشغول داشته است، وضع قوانین عادی مغایر با اصول و مقررات قانون اساسی، توسط مجالس قانونگذاری و اجرای آنهاست. همین امر موجب شده است که معمولاً در قوانین اساسی کشورها، تمهیداتی برای جلوگیری از این موضوع -

\*متن مقاله ارائه شده به کنفرانس بین المللی قضات دادگاههای استیناف در کوالالمپور مالزی (۳۱/فروردین-۴/اردیبهشت ۱۳۶۶)

یعنی وضع قوانین عادی مغایر با قانون اساسی یا سلغی الاثر کردن قوانین مغایر - اتخاذ شود . در قانون اساسی جمهوری ایرلند به محاکم استیناف و دیوان عالی کشور اجازه داده شده است که به ایراد اصحاب دعوی دائر به عدم انطباق قانون عادی با قانون اساسی رسیدگی و حکم کنند و در جمهوری فدرال آلمان دادگاه خاصی بنام دادگاه قانون اساسی پیش‌بینی شده است که در مورد عدم انطباق قانون عادی با قانون اساسی رسیدگی و اظهارنظر مینماید . در قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه هم شورائی بنام شورای قانون اساسی بوجود آمده است و در حدود اختیارات خود بشرح مندرج در مواد ۵۶ تا ۶۳ ، مانع تصویب و اجرای قوانین مغایر قانون اساسی میشود .

در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا که در قانون اساسی صراحتاً مطلبی در اینخصوص پیش‌بینی نگردیده از روح و مفاد قانون اساسی و ماهیت وظایف و مسئولیتهای قضات استنباط شده است که قوه قضائیه میتواند قانون عادی را بعلت مغایرت با قانون اساسی بلااثر اعلام نماید .

بدین ترتیب در کشورهای مختلف برای حفظ اصول قانون اساسی و جلوگیری از تصویب قوانین عادی مغایر و یا از اثر انداختن آنها ، یکی از سه طریق زیر اتخاذ شده است :

۱ . تشکیل دادگاه خاصی بدین منظور بنام دادگاه قانون اساسی که ماهیت قضائی دارد ولی بصورت دادگاه اختصاصی عمل میکند ، مانند آلمان فدرال .

۲ . واگذاری صلاحیت و اختیار رسیدگی و تشخیص عدم انطباق قانون عادی با قانون اساسی به دادگاههای دادگستری ، مانند ایالات متحده آمریکا .

۳ . تأسیس یک هیئت یا نهاد خاص ، مرکب از افراد ومقامات مشخصی

بدین منظور ، مانند شورای قانون اساسی فرانسه که از ۹ نفر ترکیب شده است : سه نفر به انتخاب رئیس جمهور ، سه نفر به انتخاب رئیس مجلس ملی و سه نفر به انتخاب رئیس مجلس سنا .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روش سوم را انتخاب کرده یعنی نهادی را بنام شورای نگهبان مرکب از ۱۲ نفر پیش‌بینی کرده است که ۶ نفر آنها از فقها و مجتهدین هستند و توسط مقام رهبری تعیین می‌گردند و ۶ نفر حقوقدان که با پیشنهاد شورای عالی قضائی و رأی مجلس شورای اسلامی انتخاب میشوند .

### زیربنای حکومت و مبنای قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران

قبل از ورود در بیان و تشریح سازمان ، وظایف و اختیارات شورای نگهبان ، برای توجیه و روشن شدن نحوه عمل آن شورا ناگزیریم مختصری در مورد زیربنای حکومت و مبنای قانونگذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران بحث کنیم :

زیربنا و پایه حکومت جمهوری اسلامی ایران را اصول و قواعد شرع مقدس اسلام تشکیل می‌دهد و اراده و خواست و رأی مردم ایران که در مبارزات و قیام عمومی آنها ، که منجر به پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ( فوریه ۱۹۷۹ ) شد و در ابراز رأی مثبت خود با اکثریت عظیم ۹۸/۲٪ در دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ ( ۲۹ و ۳۰ مارس ۱۹۷۹ ) تبلور یافت ، تضمین‌کننده تحقق و به فعالیت درآمدن آن است . این نظام ، طبق اصل دوم قانون اساسی بر پایه ایمان به :

« ۱ . خدای یکتا ( لاله الاالله ) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و

لزوم تسلیم در برابر امر او .

۲ . وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین .

۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان بسوی خدا .
۴. عدل خدا در خلقت و تشریح
۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی
۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند .

استوار است و ملت ایران طبق اصل اول قانون اساسی ، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل و قرآن به استقرار آن رأی مثبت داد . بنابراین حکومت جمهوری اسلامی ایران ، طبق قانون اساسی خود ، باید در اداره امور مملکت و اعمال قوای حاکم در آن همواره در چارچوب اصول و احکام شرع اسلام حرکت کند و طبق اصل ۶ به اتکاء آرای عمومی و تأیید مردم ، امور کشور را اداره نماید .

قانونگذاری نیز که یکی از مهمترین وظایف نظام حکومت است ، علاوه بر اینکه با تصویب نمایندگان منتخب مردم و یا خود مردم با مراجعه به آراء عمومی ( رفاندوم ) انجام میگیرد ، الزاماً باید بر مبنای اصول و مقررات اسلام باشد و آن قانونی مشروعیت دارد و جنبه قانونیت پیدا میکند که مغایر با موازین اسلام نباشد ، زیرا همانطور که گفتیم حکومت جمهوری اسلامی که ملت ایران بدان رأی مثبت داده است حکومتی است که بر پایه اسلام و قرآن قرارداد و قرآن کریم در موارد متعددی از حکم به « غیر ما انزل الله » نهی کرده و به حکم کردن به « ما انزل الله » امر نموده است برای نمونه آیات ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۷ ، ۴۸ و ۴۹ از سوره مائده به این معنی نظر دارند : «ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون» . «ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون» . «ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون» . «فاحکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهوائهم عما جائک من الحق» . «وان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهوائهم واحذرهم ان یفتنوک عن بعض ما انزل الله الیک» .

بنابراین نمیتوان قانونی که بر خلاف « ما انزل الله » باشد ، وضع نمود و طبق آن حکم داد و به آن عمل کرد . در نظام جمهوری اسلامی ایران ، قوه مقننه حق ندارد قانونی وضع کند که مخالف موازین اسلام و حکم خدا باشد .

در متن قانون اساسی نیز تصریح شده است که کلیه قوانین باید بر اساس موازین اسلام باشد و مجلس حق وضع قوانین مغایر اسلام ندارد . اصل ۷۲ و اصل ۷۳ تصریح مینماید : « مجلس شورای ملی ( اسلامی ) نمیتواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد . . . » « مذهب رسمی کشور هم ، طبق اصل دوازدهم اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است .

با توجه به توضیح فوق ، بموجب قانون اساسی ، در قوانین عادی باید دو جهت رعایت شود یکی عدم مغایرت با اصول قانون اساسی و دیگری عدم مغایرت با موازین و احکام اسلام که البته آنهم نتیجتاً بعدم مغایرت با قانون اساسی برمیگردد .

### مرجع صالح برای تشخیص

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از یک طرف شکل ظاهری حکومت ، تقسیم بندی قوای حاکم در مملکت ، نحوه تشکیل دولت ، انتخاب رئیس جمهوری ، انتخابات مجلس و وظایف و اختیارات آنها و اصول کلی مربوط به حقوق و آزادیهای فردی و نظایر آنها را مانند سایر قوانین اساسی بیان کرده و از طرف دیگر ، همانطور که قبلاً گفته شد ، مبنای حکومت را اسلام

میداند و در اصول متعددی وضع مقررات و اتخاذ تصمیم و انجام امور را مطابق با قواعد اسلام، مورد تأکید قرار داده است. بغير از اصول ۴ و ۷۲ که قبلاً ذکر شد، در اصل ۱۰۵ در مورد تصمیمات شوراهای استان، شهرستان، شهر و... تصریح مینماید که: «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد». در اصل ۱۰۶ در مقام بیان وظایف قوه قضائیه، اجرای حدود و مقررات بدون جزائی اسلام را از وظایف آن قوه می‌شمارد، اصل ۱۶۳ می‌گوید: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی (که منظور فقه اسلام است) بوسیله قانون معین میشود». و اصل ۱۶۸ در خصوص رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی و حضور هیئت منصفه، اشعار میدارد: «... نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلام معین میکند». و... پس هیئتی که میخواهد قوانین عادی را بازرسی کند، باید دوجهت فوق (مطابقت با اصول قانون اساسی و احکام شرع) را در نظر بگیرد و لذا باید در میان اعضای این هیئت هم کسانی باشند که بتوانند اصول قانون اساسی را مورد مذاقه قرار دهند و درک و استنباط درست و فهم صحیح از معانی آن داشته باشند و هم افرادی باشند که مسلط بر احکام و قواعد و ضوابط اسلامی بوده بتوانند احکام الهی را از کتاب و سنت و سایر منابع فقهی استخراج کنند و قوانین و مقررات موضوعه را، که برای تنظیم و تمشیت امور جامعه و براساس نیازها و ضرورت‌های زمان تصویب میشود، بر اصول و معیارها و موازین اسلامی عرضه کنند و انطباق یا عدم انطباق آنها را تشخیص دهند. بدین جهت است که قانون به نحوی که شرح خواهیم داد، شورای نگهبان را مرکب از دو دسته دانسته است یک دسته حقوقدانان و یک دسته فقهاء و مجتهدین و علمای بزرگ دین.

## جایگاه شورای نگهبان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وجود و حضور شورای نگهبان عنایت خاصی نموده و به لحاظ تجربه تلخی که از قانون اساسی سابق (قانون اساسی مشروطه یا نخستین قانون اساسی ایران، مصوب ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۴ هجری قمری و متمم آن مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵) متروک شدن اصل مربوط به نهادی، که تا اندازه‌ای شباهت به شورای نگهبان داشت، اساساً وجود قوه مقننه و مجلس را بدون حضور شورای نگهبان، فاقد اعتبار قانونی دانسته است. اصل ۹۳ مقرر میدارد: «مجلس شورای ملی (اسلامی) بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبار نامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.»

در قانون اساسی مشروطه که نخستین قانون اساسی در ایران است، نهادی برای تشخیص مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود ولی چون در تدوین قانون اساسی و اصولاً نهضت مشروطیت علمای دین سهمیم بودند با تصویب آن قانون و تأسیس مجلس شورای ملی و دادن اختیار وضع قوانین در عموم مسائل به مجلس (اصل ۱۵ قانون اساسی مشروطه) این نگرانی برای علماء و متدینین پیش آمد که مبادا مجلس مقررات و قوانینی وضع نماید که با موازین اسلام انطباق نداشته باشد و در نتیجه قوانین خلاف شرع در سملکت حاکم گردد، لذا در اصل دوم متمم قانون اساسی که حدود ده ماه بعد از قانون اساسی تصویب شد، مقرر گردید یک هیئت ۵ نفره از علماء و مجتهدین طراز اول در کنار مجلس شورای ملی وجود داشته باشد که قوانین مطرح شده در مجلس را از لحاظ عدم مخالفت با قواعد اسلامی بررسی نموده و نگذارند قوانینی که مغایر

با اسلام است ، عنوان قانونیت پیدا نماید و رأی و نظر آنها برای مجلس متبع باشد .

ولی این اصل ، در واقع ، جامه عمل بخود نپوشید و جز در دوره دوم مجلس ، ظاهراً این هیئت تشکیل نشد . از این اصل هم در کتب حقوقی بعنوان اصل متروک نام برده میشد ، لذا برای اینکه شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به سرنوشت هیئت پنج نفره قانون اساسی سابق دچار نشود بشرحیکه بیان گردید ، وجود مجلس شورا بدون حضور آن فاقد اعتبار قانونی دانسته شد . علاوه بر آن لزوم تأیید صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان ( موضوع بند ۴ اصل ۱۱۰ ) ، لزوم برگزاری مراسم تحلیف رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی با حضور اعضای شورای نگهبان ( اصل ۱۲۱ ) و گذاشتن مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری ، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و نیز وظیفه تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان ( موضوع اصول ۹۹ ، ۱۱۸ و ۹۸ ) خود تضمین کننده حضور دائمی شورای نگهبان و عدم تعطیل آن میباشد .

### سازمان شورای نگهبان

چنانکه اشاره شد ، طبق اصل ۹۱ قانون اساسی شورای نگهبان از ۱۲ عضو تشکیل میشود که شش نفر آنها از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز هستند ، این افراد توسط رهبر یا شورای رهبری منصوب میشوند ، و شش نفر حقوقدان در رشته های مختلف حقوقی که باید افرادی مسلمان و متدین باشند . و نحوه انتخاب این افراد بدینگونه است که شورای عالی قضائی ، تعدادی حقوقدان را که واجد صلاحیت تشخیص میدهد ( معمولاً دو برابر تعداد مورد نیاز ) به مجلس شورای اسلامی معرفی



مینماید ، مجلس نسبت به آنها رأی گیری بعمل میآورد و حائزین اکثریت  
بعضویت شورای نگهبان در میآیند .

بطوریکه ملاحظه میشود نهاد شورای نگهبان نهادی است مستقل  
که جزء هیچیک از قوای سه گانه مقننه ، قضائیه و مجریه نیست ولی  
انتخاب اعضاء آن از یک طرف مرتبط با مقام رهبری است که هم بالاترین  
مقام مذهبی مورد قبول اکثریت قاطع مردم است و هم طبق قانون اساسی ،  
قوای سه گانه زیر نظر او انجام وظیفه میکنند ، و از طرفی هم به قوه قضائیه و قوه مقننه  
ارتباط دارد ( انتخاب اعضاء حقوقدان ) .

طبق اصل ۹۲ ، اعضای شورای نگهبان برای مدت ۶ سال انتخاب  
میشوند ولی در نخستین دوره پس از گذشت سه سال ، نیمی از اعضای  
هر گروه ( فقیه و حقوقدان ) بقید قرعه تغییر مییابند و اعضای تازه ای بجای  
آنها انتخاب میشوند که این کار در مورد نخستین دوره شورای نگهبان  
انجام شد .

در خصوص امکان انتخاب مجدد اعضاء پس از پایان دوره شش ساله ،  
قانون اساسی ساکت است ولی عملاً سکوت قانون اساسی بعدم منع انتخاب  
مجدد تفسیر شد و برخی از اعضاء پس از انقضای دوره شش ساله مجدداً  
برای دوره بعد ، منصوب و انتخاب شدند .

### حدود اختیارات و نحوه رسیدگی شورای نگهبان

کلیه قوانین مصوب مجلس باید در شورای نگهبان مورد بررسی  
قرار گیرد و هیچ قانونی تا از تأیید شورای نگهبان نگذرد جنبه قانونیت  
بخود نمیگیرد . برخلاف ترتیب مقرر در بسیاری از کشورها ، رسیدگی  
شورای نگهبان به انطباق یا عدم انطباق مصوبات مجلس با قانون اساسی  
موکول بدرخواست برخی مقامات یا دادخواست افراد یا ایراد اصحاب

دعوی و محدود بقوانین و مصوبات خاص نیست بلکه تمام قوانین بدون استثناء و بدون نیاز بدرخواست هیچ فرد و مقامی ، پس از تصویب مجلس و قبل از امضاء رئیس جمهوری و ابلاغ برای اجراء باید به شورای نگهبان فرستاده شود . اصل ۹۴ قانون اساسی مقرر میدارد : « کلیه مصوبات مجلس شورای ملی (اسلامی) باید بشورای نگهبان فرستاده شود . شورای نگهبان موظف است آنرا حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مغایر ببیند برای تجدید نظریه مجلس بازگرداند . در غیر اینصورت مصوبه قابل اجراء است » .

لایحه‌ای که از طرف دولت تقدیم مجلس میگردد یا طرحی که وسیله نمایندگان در دستور کار مجلس قرار میگیرد بدون اظهار و اعمال نظر قبلی شورای نگهبان مورد بحث و بررسی کمیسیونها و جلسه علنی مجلس قرار میگیرد و پس از آنکه بتصویب مجلس رسید بلافاصله به شورای نگهبان فرستاده میشود ، شورای نگهبان ، چنانکه قبلا اشاره کردیم از دو جهت باید قانون را مورد بررسی قرار دهد یکی از جهت عدم مغایرت آن با اصول قانون اساسی و دیگری از جهت عدم مخالفتش با اصول و موازین اسلامی .

تمام اعضای شورای نگهبان یعنی هر دو گروه فقهاء و حقوقدانان صلاحیت رسیدگی بقانون از لحاظ انطباقش با قانون اساسی را دارند و تشخیص اکثریت همه اعضا بر تعارض یا عدم تعارض مصوبه مجلس با قانون اساسی ، ملاک اعتبار است . ولی رسیدگی بقانون از لحاظ انطباقش با مقررات اسلامی ، در صلاحیت اختصاصی فقهای عضو شورای نگهبان است که تشخیص اکثریت آنها ملاک عمل قرار میگیرد . اصل ۹۶ مقرر میدارد : « تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است » . در صورتیکه اکثریت اعضا مصوبه

مجلس را مغایر قانون اساسی و مغایر شرع تشخیص ندهند ، عدم مغایرت مصوبه به مجلس اعلام میگردد و قانون برای امضاء و ابلاغ به دولت جهت اجراء از طرف مجلس برای رئیس جمهور ارسال میگردد .

ولی در صورتیکه اکثریت امضاء مصوبه را مغایر با قانون اساسی یا اکثریت آن را منطبق با شرع ندانند موارد مغایرت آن با قانون اساسی یا موازین شرع معمولاً همراه با استدلال و مبانی نظر که بطور مسوج ذکر میشود به مجلس اعلام میگردد و مجلس مکلف است با توجه به نظر شورای نگهبان موارد مورد ایراد شورا را اصلاح نماید و مجدداً جهت اظهار نظر بشورا ارسال دارد و سرانجام وقتی شورای نگهبان عدم مغایرت آن را اعلام نمود، جنبه قانونیت بخود میگیرد .

طبق آئیننامه داخلی شورای نگهبان ، جلسات شورا با حضور ۹ نفر رسمیت دارد ولی در مواقع ضروری ، امکان تشکیل جلسه با حضور ۷ نفر نیز پیش بینی شده است لکن تصمیمات با اکثریت مطلق آراء یعنی ۷ نفر از ۱۲ نفر در مورد قانون اساسی و ۴ نفر از ۶ نفر در مورد شرع میباشد .

چون رأی گیری بر مغایرت مصوبه مجلس با قانون اساسی به عمل می آید و مناط اعتبار رأی اکثریت امضاء بر مغایرت است مشکل تساوی آراء پیش نمی آید یعنی مثلاً اگر ۶ نفر مصوبه ای را مغایر قانون اساسی دانست و ۶ نفر نظر به مغایرت ندادند ، از این جهت که اکثریت یعنی حداقل هفت نفر رأی به مغایرت نداده اند ، به مجلس اعلام میشود که بنظر اکثریت امضاء قانون ، مغایر قانون اساسی شناخته نشد و نتیجتاً مصوبه مجلس جنبه قانونیت پیدا کرده و قابلیت اجراء مییابد .

در موارد معدودی ، نظر شورای نگهبان مبنی بر مغایرت کلی قانون با قانون اساسی بوده است ( مثل قانون نحوه توزیع کالا ) و برخی موارد موادی از قانون ، مغایر شناخته شده که مواد عمده و اصلی قانون را تشکیل

میداده‌اند ( مثل قانون واگذاری زمین و ملی کردن تجارت خارجی ) و نتیجتاً قانون مزبور ، از دستور کار مجلس خارج شده یا توسط دولت مسترد گردیده است . اما در اکثر موارد پس از اظهار نظر شورای نگهبان مجلس با حذف و اصلاحاتی که در مواد مصوبه خود بعمل آورده است سرانجام نظر شورا را بعدم مغایرت آن با قانون اساسی یا موازین شرع کسب نموده و قانون قابل اجراء شده است .

### مهلت رسیدگی و اظهار نظر شورا

شورای نگهبان برای رسیدگی و اظهار نظر خود طبق اصل ۹۴ ، از تاریخ وصول قانون ، ده روز مهلت دارد و طبق ذیل اصل مزبور اگر پس از انقضاء ده روز اظهار نظر نشود ، مصوبه مجلس قابلیت اجراء پیدا میکند و برای امضاء رئیس جمهور و ابلاغ به دولت ارسال میگردد .

طبق اصل ۹۵ در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر کافی نداند میتواند از مجلس شورای ملی ( اسلامی ) حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود .

طبق اصل ۹۷ در مواردی که طرح یا لایحه فوری در دستور کار مجلس قرار دارد ، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند ، در این گونه موارد با توجه به حضور اعضای شورا در مجلس دیگر مصوبه به شورا فرستاده نمیشود و طبق ماده ۸۶ آئیننامه داخلی مجلس شورای نگهبان باید در صورت امکان ، بلافاصله و گرنه حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پس از رأی مجلس نظر خود را اعلام نماید .

بحثی در صلاحیت محاکم در تطبیق قانون عادی با قانون اساسی

آیا محاکم ایران حق دارند در خصوص تطبیق قانون عادی با قانون

اساسی بحث نمایند و اگر قانونی را با قانون اساسی مغایر شناختند ، بدان عمل نکنند و آن را ملغی الاثر نمایند یا چنین اختیاری به آنها داده نشده است ؟

قانون اساسی در این زمینه ساکت است ، یعنی در هیچ یک از اصول قانون اساسی چنین اختیاری به محاکم داده نشده است .

با توجه به اینکه طبق اصل ۵۸ قوه قضائیه مجری قانون و مصوبات مجلس و مطابق اصول ۱۵۶ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۹ دادگاهها باید مجری قوانین مدون و مصوب بوده و احکامشان مستند به مواد قانونی باشد و با عنایت به اینکه در قانون اساسی مرجع خاصی ( شورای نگهبان ) برای مطابقت قانون عادی با قانون اساسی پیش بینی شده میتوان نتیجه گرفت که وقتی قانونی از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان گذشت ، دیگر محاکم حق ندارند در زمینه مطابقت یا عدم مطابقت آن با قانون اساسی وارد بحث شوند و احیاناً از عمل کردن به آن از این جهت خودداری ورزند بخصوص که تفسیر قانون اساسی نیز طبق اصل ۹۸ از اختیارات شورای نگهبان است و به محاکم اختیار تفسیر و تعبیر قانون اساسی و نتیجتاً انطباق قانون عادی با آن داده نشده است .

از مفهوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی نیز استنباط میشود که در خصوص تطبیق قوانین عادی با قانون اساسی ، محاکم اختیاری ندارند زیرا اصل ۱۷۰ مقرر میدارد : « قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویبنامه ها و آئیننامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند، و هر کس میتواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری بخواهد .»

تصریح به اینکه دادگاهها باید از عمل به تصویبنامه ها و آئیننامه های دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی خودداری کنند و عدم ذکر

قوانین ، مفهوم و مؤید این نظر است که چون قوانین پس از تصویب مجلس از نظر شورای نگهبان گذشته و مغایر قانون اساسی و شرع شناخته نشده، دیگر محاکم و هیچ مرجع دیگری بطور رسمی از این حیث صلاحیت رسیدگی و اظهار نظر و احیاناً عدم اجرای قانون را ندارند .

نظر غالب در بین قضات و حقوقدانهای ایرانی-حتی قبل از انقلاب و در زمان حکومت قانون اساسی سابق که در آن اصولاً مرجعی برای تشخیص مطابقت قانون عادی با قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود - این بوده و هست که محاکم مجری قوانین عادی هستند و حق تفسیر و تعبیر قانون اساسی و تطبیق قانون عادی با آنها را ندارند .

والسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

